

Study and evaluation of non-Muslim rights in Imami jurisprudence and related laws, especially the Islamic Penal Code of Iran

Touraj Hemmti Farsani¹
Alireza Salimi²
Seyed Alireza Hosseini³
Mohammad Hossein Nazemi⁴

Received Date: 12 Oct 2020
Reception Date: 9 Jan 2021

Abstract

The religion of Islam has not only dealt with matters concerning Muslims, but also, in an overview, has drawn up rules for non-Muslims and respect for their rights; In the Islamic approach, non-Muslims are either considered as dhimmis, covenants, and trustees who, although present as a minority in the Muslim community, are supported, or who are among the non-Muslims who are in conflict with Muslims. There are those who are known as military infidels and therefore are not respected by Islam. A look at the sources of Imami jurisprudence shows that the breadth, property and honor of non-Muslims who are under the protection of the Islamic society are considered inviolable; Thus, Muslims have no right to attack them; Because in this case they will be reprimanded. The Constitution of the Islamic Republic of Iran, by recognizing the religious, Christian and Zoroastrian individuals as religious minorities, has also recognized their rights. The legislature in the Islamic Penal Code in 1392, with the

¹ . PhD Student in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Mahallat Branch, Islamic Azad University, Mahallat, Iran

² . Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Mahallat Branch, Islamic Azad University, Mahallat, Iran (Corresponding Author)
alireza.salimi@vatanmail.ir

³ . Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Mahallat Branch, Islamic Azad University, Mahallat, Iran

⁴ . Assistant Professor, Department of Education, Farhangian University, Tehran, Iran.

establishment of jurisprudential standards in some areas, including adultery with Muslims, sodomy, tafkhiz, the death sentence as an aggravation of punishment for non-Muslims and in drinking alcohol, as a factor A discount was given to non-Muslims only if they pretended to have a limit. Regarding diyat, the equality of diyat of the non-Muslim and Muslim minorities was maintained, taking into account the opinion of the leadership.

Keywords: Non-Muslim rights, Imami jurisprudence, Islamic penal code

ماهنامه علمی (مقاله علمی-پژوهشی) جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال پنجم، شماره ۳، خرداد ۱۴۰۱ صص ۶۶۸-۶۴۳

<https://dx.doi.org/10.30510/PSI.2022.262381.1389>

بررسی و ارزیابی حقوق غیر مسلمانان در فقه امامیه و قوانین مربوطه به خصوص قانون مجازات اسلامی ایران

تورج همتی فارسانی^۱
 علیرضا سلیمی^۲
 سیدعلیرضا حسینی^۳
 محمدحسین ناظمی اشنی^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۲۱
 تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۰

چکیده

دین اسلام تنها به امور مربوط به مسلمانان اهتمام ننموده است و بلکه در یک نمای کلی، در خصوص غیر مسلمانان و احترام به حقوق ایشان نیز ضوابطی را مورد ترسیم قرار داده است؛ در رویکرد اسلام، غیر مسلمانان یا در زمره افراد ذمی، معاهد و مستأمن به حساب می‌آیند که اگرچه به عنوان اقلیتی در جامعه مسلمین حاضر شوند، مورد حمایت قرار می‌گیرند و یا این که در عداد غیر مسلمانانی قرار می‌گیرند که در حال ستیز و درگیری با مسلمانان هستند که به عنوان کفار حربی مشهور بوده و بدین جهت، از حرمتی نزد اسلام برخوردار نیستند. نگاهی به منابع فقه امامیه نشان می‌دهد که عرض، مال و ناموس غیر مسلمانانی که در پناه جامعه اسلامی قرار دارند، مصون از تعرض انگاشته شده است؛ بدین ترتیب، مسلمانان حق

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران

۲. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران (نویسنده مسئول)
 alireza.salimi@vatanmail.ir

۳. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران

۴. استادیار گروه معارف، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

ندارند تا هجمه‌ای علیه ایشان وارد آورند؛ چرا که در این صورت مورد مؤاخذه قرار می‌گیرند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با شناسایی افراد کلیمی، مسیحی و زرتشتی به عنوان اقلیت‌های مذهبی، حقوقی را نیز برای آن‌ها مورد شناسایی قرار داده است. مقنن در قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ با تأسی از موازین فقهی در برخی از حدود از جمله زنای با مسلمان، لواط، تفخیز، حکم اعدام را به عنوان تشدید مجازات مرتکب غیر مسلمان مورد احتساب قرار داد و در شرب خمر، به عنوان یک عامل تخفیفی تنها در صورت تظاهر، حد را متوجه غیر مسلمان نمود. در خصوص دیات، با التفات به نظر رهبری، تساوی دیه اقلیت غیر مسلمان و مسلمان ابقاء شد. در خصوص تعزیرات نیز به جز ربا، تفاوتی میان مسلمانان و غیر مسلمانان مدنظر قرار نگرفت. با این وجود، در حوزه قصاص، رویکرد نوینی دائر بر توسعه دامنه شمول مستأمنین مورد پیگیری قرار گرفت که آن نشانگر گام برداشتن در جهت حمایت بیشتر از کفار غیر حربی ولو آن‌هایی که در زمره اقلیت‌های شناخته شده در قانون اساسی قرار نمی‌گیرند، می‌باشد. لازم به ذکر است روش پژوهش حاضر تفسیری- کیفی می‌باشد.

کلمات کلیدی: حقوق غیر مسلمانان، فقه امامیه، قانون مجازات اسلامی

مقدمه و بیان مسئله

قانون اساسی ایران به اعتقاد بسیاری از کارشناسان و صاحب نظران، یکی از مترقی ترین قوانین اساسی فعلی دنیا می باشد. هر چند که قانون اساسی کشور ما تمایز آشکاری را بین اقلیت های غیر دینی (نژادی، قومی و زبانی) با اقلیت های دینی قائل نشده است اما بسیاری از صاحب نظران حقوقی قائل به این تفکیک هستند. قانون اساسی ما بر عدم تبعیض بر اساس نژاد، زبان و قومیت در دو اصل ۱۹ و ۲۰ تأکید دارد. اصل نوزده قانون اساسی به صراحت اعلام می دارد: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این ها سبب امتیاز نخواهد بود».

اصل بیستم می گوید: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند».

اصول اولیه قانون اساسی نیز که بر مبنای تعالیم دینی تقنین شده اند. بر تساوی عموم افراد ملت صرف نظر از هر گونه تعلق به اقوام و نژادها و زبانها و عدم تبعیض بر اساس این معیارها تأکید دارند. بند ۸ اصل سوم بر مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، یا بند ۹ همان اصل بر رفع تبعیض ناروا و ایجاد امکان عادلانه برای همه در تمام زمینه های مادی و معنوی و یا بند ۱۴ همان اصل بر تأمین حقوق همه جانبه افراد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون تأکید دارند. قانون اساسی همچنین در اصل ۱۵ تأکید دارد که «استفاده از زبان های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است».

بر این اساس هر فرد با هر نوع عقیده ای از حقوق فردی برخوردار می باشد. غیر مسلمانان نیز در جامعه اسلامی دارای حقوق ویژه ای بوده که در قالب قراردادی دوجانبه منعقد می گردد. غیر مسلمانان در صورت رعایت مفاد قرارداد ذمه، می توانند با امنیت کامل و در سایه عدالت اجتماعی به زندگی خود ادامه دهند.

از آنجا که در جوامع اسلامی، غیر مسلمان اعم از اهل کتاب و غیر ایشان زندگی می کنند و یا کشورهای مستقلی که مسلمان نیستند و در کنار جوامع انسانی هستند؛ این بحث مطرح می شود که آیا حقوقی برای آنان در مکاتب اسلامی و حقوق موضوعه ایران پیش بینی شده است یا خیر؟

البته این مبحث در حوزه های مختلفی چون اخلاق، فقه، حکومت کاربرد دارد اما آنچه در این پژوهش بدان پرداخته شده است بررسی حقوق غیر مسلمان در فقه و قانون مجازات اسلامی می باشد.

این تحقیق با محوریت کتابخانه ای و به روش توصیفی، تحلیلی و با هدف بیان حقوق غیر مسلمان و محدوده قوانین موجود در این خصوص تدوین شده است.

امید آن است که پس از انجام این پژوهش در مجالس قانون گذاری و مراکز گزینشی استفاده گردد، حتی امید می رود مورد استفاده عموم جامعه برای آشنایی با موضوع و احکام مربوطه قرار گیرد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

قانون اساسی کشور ما دو مرتبه در اصول ۱۳ و ۶۷ از اصطلاح اقلیت های دینی استفاده کرده است. در ماده ۱۳ اقلیت های دینی رسمی کشور را نام برده و به سه دین یهودی، زرتشتی و مسیحی محدود می کند و در اصل ۶۷ نیز که مربوط به سوگند خوردن نمایندگان در بدو انتخاب و نخستین جلسه ی مجلس است بیان می دارد که نمایندگان اقلیت های دینی با ذکر کتاب آسمانی خود ادای سوگند می کنند. دو نکته در مورد اقلیت های دینی باید مورد توجه قرار بگیرد. اول شناسایی موجودیت و هویت اقلیت های دینی و دوم تساوی افراد در برخورداری از حقوق و آزادی های اساسی و عدم تبعیض است که به شرح این دو مورد خواهیم پرداخت. هر چند که اصل ۱۲ قانون اساسی دین رسمی کشور را دین اسلام و مذهب اثنی عشری می داند اما اصل ۱۳ نیز اقلیت های دینی رسمی کشور را ابتدا معرفی نموده و بیان می دارد که آن ها در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال مشخصه و

تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می کنند. به هر حال چنین به نظر می رسد که در این بخش ۴ حق عمده آزادی انجام مراسم دینی (اصل ۱۳ قانون اساسی)، تشکیل انجمن (اصل ۲۶ قانون اساسی)، اجرای مقررات مذهبی خویش در احوال شخصیه (ماده واحده قانون رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه) و داشتن نماینده‌ی مجلس برای اقلیت های دینی در کشور (طبق اصل ۶۴) در نظر گرفته شده است.

با این ترتیب باید اذعان نمود، روح کلی قانون اساسی بر این نکته دلالت دارد که حقوق و آزادی‌های اساسی برای کلیه‌ی شهروندان و اتباع ایرانی در نظر گرفته شده است و آنان بدون توجه به وابستگی قومی، نژادی، زبانی و حتی مذهبی در برخورداری از حقوق و آزادی های اساسی با هم مساوی اند. وجود کلمات کلی نظیر «همه»، «هر کس»، «هر ایرانی» و نظایر آن بر این نکته تأکید دارد.

خداوند پس از بعثت رسول الله (ص) به جز دین اسلام هیچ دین دیگری را نمی پسندد و شریعت و اعمال دیگر ادیان را نمی پذیرد و عبادات آنها مانند نقشه‌ی روی آب است چرا که ادیان دیگر با پشت کردن به آخرین فرستاده‌ی خدا مورد خشم الهی قرار گرفته اند، و الله تعالی مسلمانان را از دوستی با کفار و مشرکان برحذر داشته است.

چنانچه در سوره‌ی مبارکه آل عمران آیه ۲۸ می فرماید: «لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ». (ترجمه: مؤمنان نباید کفار را به جای مؤمنان دوست و یاور بگیرند.) و در آیه‌ی ۲۲ سوره مبارکه مجادله تصریح می فرماید که حتی اگر آنها (کفار) پدران، برادران، فرزندان و قوم و خویش شما باشند باز حق ندارید با آنها به دوستی و همراهی پردازید.

لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ (ترجمه: نمی یابی قومی را که مؤمن به الله و روز قیامت باشند که با دشمنان خدا و رسول مودت و دوستی کنند. ولو این که آنها پدران، فرزندان، برادران و خویشاوندان آنان باشند.)

با این حال، اسلام حقوق زیادی برای غیرمسلمانان در نظر گرفته است؛ چرا که اسلام دین رحمت است و نه دین ظلم. حضرت رسول الله (ص) فرمودند: *إِرْحَمُوا مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمَكُم مِّنْ فِي السَّمَاءِ* / طبرانی (ترجمه: بر اهل زمین ترحم کنید تا اهل آسمان بر شما ترحم بفرماید) مراد از اهل زمین تمام موجودات زنده از انسان تا حشرات غیر موذی هستند و در حدیث دیگری آن حضرت فرموده است ترحم بر هر موجود زنده‌ای باعث پاداش می‌گردد که نشانی از جدیت دین اسلام در رعایت حقوق انسان‌ها و موجودات زنده است.

به هر حال، از آنجایی که تاکنون در مورد قانون مجازات اسلامی اخیر، مطالعه و بررسی در خصوص وضع حقوق اقلیت غیر مسلمان صورت پذیرفته است، انجام تحقیق جاری حائز اهمیت و البته در راستای تعالی وضع حقوق غیر مسلمانان در جامعه از طریق اتخاذ رویکرد نقادانه و آسیب‌شناسانه ضروری نیز جلوه پیدا می‌کند.

پیشینه‌ی تحقیق و نوآوری آن

با مذاقه و بررسی که در میان پایگاه‌های اطلاعاتی نسبت به موضوع پژوهش صورت پذیرفت باید اذعان نمود که تاکنون، اصحاب تحقیق نسبت به تحلیل جایگاه حقوقی غیرمسلمانان در فقه اسلامی و قانون مجازات اسلامی ایران توجه شایانی مبذول ننمودند.

البته این موضوع باعث نشده است تا در خصوص حقوق اقلیت غیر مسلمان در فقه امامیه و مقررات ملی فحوص و بحثی صورت نپذیرد. در این اثناء، بعضاً جایگاه حقوقی غیر مسلمانان در ارتکاب برخی از جرایم مثل جرایم مستوجب مجازات حدود، قصاص و دیات نیز به صورت کلی مورد اشاره واقع شده است.

با این مراتب، مهمترین منابعی که در مقام انجام پایان‌نامه‌ی جاری از آن‌ها استفاده به عمل آمده است از قرار ذیل مورد معرفی قرار می‌گیرند:

۱) عمید زنجانی (۱۳۶۲) در کتابی با عنوان «حقوق اقلیت‌ها بر اساس قانون قرارداد ذمه» به طور کاملی به مقوله‌ی اقلیت‌های غیر مسلمان و حقوق ایشان به موجب نظامات فقهی می‌پردازد. این نویسنده در ابتدا به تعریف و تبیین انواع اقلیت غیر مسلمان می‌پردازد. در ادامه،

تحلیل ماهیت قرارداد ذمه در دستور کار قرار می‌گیرد. به این مناسبت، واکاوی قرارداد ذمه از منظر مسئولیت‌های متعاقدین به نحو مبسوطی مورد اقدام قرار می‌گیرد. در ادامه ایشان با کنکاش در قبال حقوق اقلیت‌ها در جامعه اسلامی، اهم آن‌ها را در ابعاد مختلف مورد احصاء و هریک را به صورت روشنی توضیح می‌دهد. حقوق مزبور حوزه‌های مختلفی را از جمله طلاق، ارث، آزادی مراسم و شعائر مذهبی پوشش می‌دهد. با این مراتب، اثر مذکور به عنوان یکی از منابع ارزشمندی به حساب می‌آید که به مثابه راهنمایی فاخر در جهت تدوین پایان‌نامه جاری از آن استفاده لازم به عمل خواهد آمد.

۲) شریعتی (۱۳۸۱) در کتابی با موضوع «حقوق و وظایف غیر مسلمانان در جامعه اسلامی» به موضوع اقلیت غیر مسلمان در یک جامعه اسلامی از منظر حقوق و تعهداتی که دارا می‌باشد، توجه نموده است؛ نویسنده مزبور ابتدائاً به تعریف مفهوم و دامنه‌ی غیر مسلمانان اشاره می‌کند. پس از ذکر تعاریفی که صورت می‌پذیرد، ذکر انواع حقوق غیر مسلمانان در دستور کار قرار می‌گیرد. در این راستا، حقوق اهل کتاب و غیر اهل کتاب به طور جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد. پس از تصریح به حقوق غیر مسلمانان، تحلیل قرارداد ذمه در اولویت قرار می‌گیرد. در آخر نیز جرایم و مجازات‌های غیر مسلمانان مورد بررسی قرار می‌گیرد. نویسنده در اثر مورد معرفی به نحو جامعی نسبت به حقوق اقلیت غیر مسلمان بحث و فحص نموده است. به همین خاطر، یکی از منابع مورد استفاده در پایان‌نامه جاری، اثر معرفی شده به شرح مذکور مورد احتساب قرار می‌گیرد.

۳) سلطانی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «اصول همزیستی با غیر مسلمانان از منظر قرآن کریم» به تدقیق در مورد حقوق غیر مسلمانان در قرآن کریم می‌پردازد؛ در حقیقت، نویسنده مزبور تلاش بر آن دارد تا مشخص نماید که در کتاب آسمانی مسلمانان، چه دامنه حقوقی برای مسلمانان مورد لحاظ قرار گرفته است. در این راستا، آیات مختلف قرآن کریم در موضوعات مختلف از جمله احسان، کرامت انسانی، انصاف و غیره به صورت جداگانه مورد بررسی و تأمل قرار گرفته است. اثر مذکور به عنوان کار تحقیقاتی واجد ارزش در حوزه‌ی

بررسی حقوق غیر مسلمانان در دین اسلام قلمداد می‌گردد؛ چرا که در پژوهش مزبور، آیات قرآن کریم در زمینه‌ی حقوق غیر مسلمانان به نحو روشنی مورد کنکاش قرار گرفته است.

۴) رجبی و باقری (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با وصف «حقوق شهروندی اقلیت‌های دینی از منظر فقه امامیه» به معرفی و بررسی اهمّ حقوق غیر مسلمانان در جامعه اسلامی می‌پردازند؛ نویسندگان یادشده در وهله‌ی اول به ذکر تعریف اقلیت و اقلیت دینی می‌پردازند. متعاقب بر آن، تبیین و بررسی اهمّ حقوق اقلیت‌ها در دستور کار قرار می‌گیرد. با این ترتیب، اگرچه در مقاله‌ی مورد معرفی، برخی از حقوق غیر مسلمان به ویژه در حوزه‌ی جرایم و مجازات‌ها نسبت به مسلمانان مورد التفات قرار نگرفته است اما از آن‌جا که این تحقیق به تبیین حقوق غیر مسلمانان از منظر فقه امامیه پرداخته است، بنابراین به عنوان یکی از منابع مورد استفاده در پایان‌نامه‌ی جاری مورد معرفی قرار می‌گیرد.

۵) عزیزان (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با موضوع «حقوق و تکالیف شهروندان غیر مسلمان در جامعه اسلامی» به تبیین و تحلیل جایگاه اقلیت غیر مسلمان در یک جامعه‌ی اسلامی آن هم از حیث حقوق و تکالیفی که دارا می‌باشند، اشاره می‌کند. پژوهشگر فوق‌الذکر، در گام اول به اقسام غیر مسلمانان و متعاقب بر آن به مهمترین حقوق ایشان می‌پردازد. با این مراتب، آنچه بیش از همه مدنظر نویسنده یادشده قرار گرفته است، دائر بر احصاء حقوق غیر مسلمانان البته به صورت کلی است. مضاف بر آن، در اثر مرقوم، کار تحلیلی کمتر صورت پذیرفت است و در نتیجه، بیشتر توصیف مطالب در دستور کار قرار گرفته است. با این حال، به این خاطر که در مقاله‌ی مورد معرفی، کلیاتی در ارتباط با حقوق غیر مسلمانان مورد تصریح قرار گرفته است به عنوان یکی از منابعی که در این نوشتار از آن استفاده صورت می‌پذیرد، معرفی شده است.

با توجه به مطالب پیش‌گفته آنچه به این پایان‌نامه وجه نوآوری اعطاء می‌کند همانا رویکرد جزئی‌نگری است که هم در گزینش موضوع و هم در انجام فرآیند تحقیق در دستور کار قرار گرفته است؛ بدین‌منظور، سعی بر آن است تا با توجه به گستردگی ابعاد مندرج در جایگاه

اقلیت غیر مسلمان، تمرکز بر حقوق ایشان در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و فقه صورت پذیرد.

مضاف بر آن در انجام پایان‌نامه ترتیبی مورد اتخاذ قرار می‌گیرد که بیشتر نسبت به جزئیات مورد پژوهش اهتمام به عمل آید و از ذکر کلیات تا حد ضرورت خودداری شود.

روش‌شناسی تحقیق

در این تحقیق از روش توصیفی و تحلیلی استفاده می‌شود و روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است، ابتدا با جستجو در پایگاه‌ها و سایت‌های اینترنتی و بانکهای اطلاعاتی و استنادی همانند؛ پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران، SID، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور (نورمگز)، تبیان، مگ ایران و سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و سپس با مراجعه به کتابخانه‌های دیجیتال دانشگاه پیام نور، نورمگز، پرتال جامع علوم انسانی و کتابخانه‌ها (کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران، کتابخانه‌ی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و غیره)، اطلاعات جمع‌آوری خواهد شد و بنا بر مناسبت موضوع تدوین می‌شوند. ابزار گردآوری اطلاعات تحقیق فیش‌برداری می‌باشد که شامل ترجمه، تلخیص، نقل قول مستقیم و غیر مستقیم است، روش‌ها تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز در این تحقیق روش تحلیل محتوا است.

اقلیت دینی

پیش از تبیین مفهوم اقلیت دینی لازم است تا نسبت به معنای اقلیت شناخت لازم کسب شود؛ اقلیت، گروهی از افراد در جامعه معینی هستند که به دلیل خصوصیات و اوصاف مشخص فیزیکی یا فرهنگی، خود را در وضعیت نابرابری در آن جامعه می‌یابند. (گیدنز، ۱۳۸۱ش، ص ۸۰۵) گروه‌های اقلیت جامعه، معمولاً از لحاظ نژاد، دین، ملیت و زبان از گروه اکثریت متمایز می‌شوند. (کوئن، ۱۳۸۸ش، ص ۴۰۴)

به دیگر سخن، اقلیت‌ها عبارتند از افرادی که از نظر عددی کمتر از بقیه جمعیت یک کشور بوده و در موقعیت غیر حاکم نیز قرار دارند. این افراد با داشتن تابعیت دولت مزبور، از ویژگی‌های مذهبی، قومی یا زبانی متفاوت از دیگر افراد کشور که در اکثریت قرار دارند، متمتع هستند و هرچند به صورتی ضمنی، نسبت به حفظ فرهنگ، سنت‌ها، مذهب و زبان خود احساس همبستگی دارند. (عزیزی، ۱۳۸۵ش، ص ۷۸)

همچنین حائز اهمیت است، مطابق با اظهارنظر دیوان دایمی دادگستری بین‌المللی در ۳۱ ژوئیه سال ۱۹۳۰ اقلیت عبارت است از افرادی ساکن یک کشور و یا سرزمینی معین که دارای نژاد، مذهب، زبان و آداب مخصوص به خود هستند. (صالحی امیری، ۱۳۸۹ش، ص ۳۰)

با توجه به تعاریف فوق‌الاشعار در مقام تعریف اقلیت دینی می‌توان چنین گفت، افرادی که از نقطه نظر دینی از دین اکثریت جامعه و مدنظر حاکمیت متمایز هستند، اقلیت دینی را تشکیل می‌دهند.

مطابق با اصل ۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اقلیت‌های دینی به رسمیت شناخته شده است در ایران عبارتند از:

الف) کلیمیان: کلیمیان قدیمی‌ترین اقلیت نژادی و از پیروان حضرت موسی هستند که در تاریخ ایران در امور مهم حکومتی نقش‌های اساسی داشتند. (خوبروی پاک، ۱۳۸۰ش، ص ۱۱)

ب) مسیحیان: مسیحیان از پیروان حضرت عیسی هستند که از اواخر قرن ششم و در نواحی مختلف ایران چون اصفهان، یزد، تهران، شیراز و مشهد سکونت گزیدند؛ گروه‌های مسیحیان فارسی زبان ایران از چندین سال قبل و با ترجمه‌ی کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید) ایجاد شدند و رشد نمودند. این گروه‌های مسیحی که عموماً پروتستان بودند، در شهرهای مختلف ایران شروع به ساخت کلیساهایی نمودند. حدود دو سوم مسیحیان ایران، نژاد ارمنی و یک سوم دیگر کلانی و آشوری هستند. (تاج‌پور، ۱۳۴۴ش، ص ۱۴۰)

ضمناً حائز اهمیت است، موضوع دعوت حضرت عیسی همان دعوت به توحید بوده که مردم را به یگانه‌پرستی سوق می‌داده است. بنابراین فرزند خدا بودن مسیح که در حقیقت

انحراف از توحید است از اختراعاتها و بدعت‌هایی است که بعد از آن حضرت توسط پولوس مطرح شد. (قرنی گلپایگانی، ۱۳۶۱ش، ص ۸۶)

پ) زرتشتیان: دین زرتشت از جمله ادیان توحیدی به حساب می‌آید که بر اساس باورهای ایشان، روح انسان با مرگ از بین نرفته و به حیات خود ادامه می‌دهد. (حاجتی شورکی، ۱۳۹۵ش: ص ۱۱۵) تاریخ زندگی زرتشتیان در ایران از حدود چهار هزار سال پیش در ایران آغاز شد. زادگاه پیام‌آور زرتشت ایران است و به همین خاطر، دین زرتشت، در میان اقوام و ادیان ساکن در کشور از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. (نیکنام، ۱۳۸۱ش، ص ۱۴۷)

با عنایت به مطالب پیش‌گفته متذکر می‌شود که اقلیت دینی، افرادی پیرو یکی از ادیان را تشکیل می‌دهد که در مقابل دین اکثریت مردم و هیأت حاکمه قرار می‌گیرد.

غیر مسلمان

در این قسمت، ابتدا به تعریف و تبیین مفهوم غیر مسلمان پرداخته می‌گردد و سپس جهت آشنایی بیشتر با آن مفهوم به معرفی اقسام غیر مسلمان‌ها پرداخته می‌گردد. با این ترتیب، ابتدا تعریف غیر مسلمان در دستور کار قرار می‌گیرد.

تعریف

به لحاظ تعریفی که نسبت به مسلمان صورت پذیرفت، غیر مسلمان به افرادی اطلاق می‌گردد که به لحاظ اعتقادی در زمره مسلمانان قرار نگیرند.

به این ترتیب، افرادی که به خدا و یا یگانگی او و یا رسالت پیامبر اسلام (ص) اعتقاد نداشته باشد، مسلمان به حساب نمی‌آید و غیر مسلمان خطاب می‌گردد. (نیکزاد، ۱۳۸۶ش، ص ۶۶)

برای شناخت بیشتر غیر مسلمانان به تبیین اقسام آنها مطابق با طبقه‌بندی‌های متداولی که تاکنون از ایشان صورت پذیرفته است، پرداخته می‌شود.

اقسام آن

جهت آشنایی بیشتر با مفهوم غیر مسلمان و دامنه افرادی که عنوان مزبور را دارا می‌باشند، در این قسمت به احصاء و توصیف انواع غیر مسلمانان پرداخته می‌گردد.

البته لازم به تذکر است، طبقه‌بندی مختلفی از افراد غیر مسلمان وجود دارد؛ برخی از نویسندگان، (شریعتی، ۱۳۸۱ش، ص ۲۵) غیر مسلمان را در دو طبقه کفار داخلی و خارجی تقسیم نموده‌اند. به این صورت که منظور از کفار داخلی، افراد غیر مسلمانی هستند که در داخل کشور اسلامی زندگی می‌کنند. همچنین کفار خارجی به غیر مسلمانانی اطلاق می‌گردد که در خارج از کشور اسلامی سکونت دارند.

تعدادی دیگر از نویسندگان، (عرب عامری و سرجوانی شیراز، ۱۳۹۴ش، ص ۸۷) غیر مسلمانان را در دو طبقه تقسیم نموده‌اند؛ بنا به این طبقه‌بندی، غیر مسلمانان دایر بر دو دسته هستند؛ در بخش اول، غیر مسلمانانی که دارای کتاب آسمانی نمی‌باشند قرار دارند که به ایشان کفار حربی گویند و البته حقوق آن‌ها در جامعه اسلامی بسیار محدود و اندک است. گروه دوم غیر مسلمانی هستند که دارای کتاب آسمانی هستند و به آن‌ها کفار ذمی گویند.

با این مراتب، آنچه در تقسیم‌بندی غیر مسلمانان در این نوشتار مدنظر قرار گرفته است دایر بر تعامل و پیوندی می‌باشد که ایشان با حکومت اسلامی و مسلمانان دارند. بدین ترتیب، ابتدا از معرفی اهل ذمه آغاز می‌شود.

اهل ذمه

دلیل نامگذاری برخی از غیر مسلمانان به اهل ذمه آن است که ایشان طرف عهد و پیمان با خداوند، پیامبر خدا و سرانجام گروه مسلمانان می‌باشند که به مفاد آن عهد به آنان تعهد داده شده که تحت حمایت اسلام و در سایه جامعه اسلامی با آرامش و امنیت زندگی کنند. پس بنا به قرارداد ذمه غیر مسلمانان تحت حمایت و ضمانت مسلمانان به سر می‌برند. (قرضاوی، ۱۳۸۲ش، ص ۱۹)

بنا به تعریف روشن‌تر، اهل ذمه عبارتند از پیروان دین زرتشت و موسی و مسیح که پس از انعقاد یک قرارداد با عنوان عقد ذمه، از حقوق و تکالیفی برخوردار می‌گردند که یکی از آن‌ها،

برقرار نمودن محاکمی است که قاضی آن از مذهب ایشان باشد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۷ش، ص ۹۷)

به دیگر سخن، به یهودیان، مسیحیان و زرتشتیان که با مسلمان قرارداد منعقد نموده‌اند، ذمی اطلاق می‌گردد؛ مناطق هم‌پیمان با مسلمانان یا دارالذمه به آشکال ذیل قابل تصور است:

(الف) سرزمین‌های ذمی‌نشین پراکنده بدون تمرکز که در قلمروی دارالاسلام قرار گرفته است؛

(ب) مناطق مشخصی از دارالاسلام که محل سکونت ذمیان به طور متمرکز می‌باشد به صورتی که ذمیان در آن منطقه دارای تشکیلات دینی، فرهنگی و اجتماعی بوده و از نوعی سازماندهی و تمرکز برخوردار هستند؛

(پ) کشورهایی که مردم آن‌ها پیرو یکی از ادیان رسمی سه‌گانه (یهود، مسیحیت و زرتشتی) می‌باشند و با دولت اسلامی قرارداد ذمه منعقد کرده‌اند. (عمید زنجانی، ۱۳۶۷ش، ص ۲۵۰ و ۲۵۱)

باری مطابق با آنچه فوقاً بدان اشاره‌ای مختصر صورت پذیرفت، در دین مبین اسلام برای اجرایی شدن زندگی مسالمت‌آمیز با اقلیت‌ها قراردادی به نام قرار ذمه پیش‌بینی شده است. قرارداد مزبور تنها با سه گروه یهودی، مسیحی و مجوسی منعقد می‌گردد. با انعقاد قرارداد، طرفین مؤظف به اجرای مفاد آن می‌شوند، شرایطی که به وسیله آن‌ها ذمه و پیمان حمایت منعقد می‌شود و با منتفی شدن یکی از آن‌ها پیمان حمایت نیز منتفی می‌شود عبارتند از:

(الف) اهل ذمه نباید کاری برخلاف پیمان منعقد انجام دهند. به طور مثال، اقدام به جنگ با مسلمانان و یاری به مشرکان و دشمنان اسلام و توطئه بر ضد اسلام، در زمره اقداماتی هستند که اهل ذمه باید از آن‌ها حذر نمایند؛

(ب) اهل ذمه باید متعهد و ملتزم باشند که احکام جزایی اسلام درباره ایشان اجرایی شود؛

(پ) اهل ذمه باید قبول داشته باشند که هر ساله مبلغی به عنوان جزیه که معادل مالیات است به حکومت اسلامی پرداخت کنند. (نجفی، ۱۳۷۴ش، ج ۲۱، ص ۲۷۱)

مشهور فقهای امامیه بر این اعتقاد هستند که تنها سه گروه یهود، نصاری و مجوس در زمره اهل کتاب قرار دارند. این موضوع برخلاف اکثر فقهای اهل سنت است که صائین^۱ را اهل کتاب می‌پندارند. (شریعتی ۱۳۸۱ش، ص ۴۶)

مستأمن و معاهد

مستأمنین به افرادی اطلاق می‌گردد که با امان یکی از مسلمانان یا حاکم اسلامی وارد کشور اسلامی می‌شوند. ایشان معمولاً و در بیشتر موارد به صورت موقت وارد کشور اسلامی می‌شوند و انگیزه‌های مختلفی از این رفتار دارند. در این خصوص می‌توان به تحقیق درباره دین اسلام، فرار و دوری از صحنه جنگ، جاسوسی و کسب اطلاعات اشاره نمود. ضمناً باید متذکر گردید، انگیزه اصلی اسلام در تشریح و تجویز چنین عملی، فرصت‌دادن به افراد و تشویق ایشان به تحقیق و تفحص درباره دین اسلام و سرانجام، جذب آنها به دین است. (شریعتی، ۱۳۸۱ش، ص ۴۸)

به دیگر سخن، مستأمن که به معنای امنیت‌طلب و یا پناهنده می‌باشد بر کسی بار می‌گردد که از خارج از مرزهای کشورهای اسلامی با اهداف تجاری، سیاسی و فرهنگی و غیره به کشور اسلامی وارد شده و دولت اسلامی به او اجازه ورود داده است. (عزیزان، ۱۳۹۲ش، ص ۱۶۸)

به این ترتیب، دارالامان کلیه مناطقی را شامل می‌شود که اهالی آنها از نوعی قرارداد امان اعم از موقت یا دائمی با حکومت اسلامی برخوردار باشند؛ بنابراین محدوده دارالامان را می‌توان به قلمروی دارالعهد، دارالذمه، دارالصلح، دارالهدنه، دارالحیاد، دارالموادعه و حتی

۱. در این ارتباط لازم به توضیح است، صائین به یهودیانی که به کیش حضرت یحیی بن زکریا (ع) ایمان آورده‌اند اطلاق می‌گردد و چون ایشان، نوزادان خود را غسل تعمید می‌دادند به آنان سابقین یا شناوران می‌گفتند که بعداً به خاطر ابدال، واژه‌ی سابقین به صائین تغییر یافته است. خزائلی، محمد (۱۳۷۱)؛ اعلام‌القرآن، نشر امیرکبیر، چاپ چهارم، تهران، ص ۳۱۱. به نقل از: فهیمی، عزیزالله (۱۳۸۱)؛ بررسی تطبیقی ارث اقلیت‌های دینی در حقوق اسلام و ایران، چاپ اول، انتشارات اشراق، تهران، ص ۵۹.

دارالاسلام گسترش داد و حتی اماکن محل کار و مستأمنین را جزئی از دارالامان محسوب نمود اعم از آن که در دارالاسلام قرار گرفته باشد یا دارالحرب. (علامه حلی، ج ۱، ص ۴۱۷)

اهل حرب

یکی دیگر از اقسام غیر مسلمانان را اهل حرب تشکیل می‌دهد؛ مطابق با تقسیم‌بندی شیخ طوسی در کتاب المبسوط، (شیخ طوسی، ج ۳، ص ۳۴۳) اهل حرب در مقابل اهل ذمه قرار می‌گیرند.

اهل حرب این امکان را پیدا نمی‌کنند تا در جامعه اسلامی به عنوان اقلیتی سکنی گزینند؛ زیرا اقتضای سکونت ایشان آن است که افراد مزبور التزام و پای‌بند به رعایت مقررات اسلامی باشند. این پایبندی نیز با حربی‌بودن اینان ناسازگار است؛ چون رفتار خصمانه با التزام به احکام اسلام تعارض دارد. (شریعتی، ۱۳۸۱ش، ص ۲۷)

به عبارتی دقیق، کفار حربی در دو طبقه ذیل قرار می‌گیرند:

الف) کفاری که اسلام دین آن‌ها را به عنوان یک دین الهی قبول ندارد که شامل تمام کفار غیر از سه دسته اهل کتاب می‌شود مثل بودائیان، بت‌پرستان و غیره.

ب) این دسته از کفار حربی آن دسته از اهل کتاب هستند آن هم زمانی که از قرارداد ذمه تجاوز کنند و مفاد قرارداد را زیر پا بگذارند یا با مسلمانان وارد جنگ شوند و یا به دشمنان مسلمانان علیه مسلمین همکاری کنند. (رجایی خراسانی، ۱۳۹۰ش، ص ۲۰ و ۲۱)

تاریخچه‌ی حقوق غیر مسلمانان در دین اسلام

مقوله‌ی حقوق اقلیت‌ها در فقه اسلامی به هیچ عنوان در لوای بیگانه و یا اقلیتی که در مقابل اراده و مصالح اکثریت اختیاری در تعیین حقوق و سرنوشت خود ندارد، مطرح نیست. (عمید زنجانی، ۱۳۶۲ش، ص ۲۴)

باری، حقوق اقلیت‌ها در عداد موضوعات مهم در تاریخ اسلام است که از ابعاد گوناگون مورد اهتمام متفکران مسلمان قرار گرفته است. پیامبر اسلام (ص) در سیره و رفتار خویش به خوبی احترام به حقوق اقلیت‌ها را به نمایش گذاشته است و بدون تردید، الگوی رفتاری همه

مسلمانان در این موضوع و موضوعات دیگر است و تاریخ، رفتار پیامبر (ص) با اقلیت‌هایی که در پناه حکومت ایشان در مدینه و اطراف آن می‌زیستند را ثبت نموده است. قرآن کریم همه انسان‌ها را از نظر اجتماعی برابر اعلام کرد و رسول خدا (ص) و اولیای گرامی ایشان با راه و رسم و رفتار خود این برابری را متجلی و جاودانه ساختند. (ابن سعد، ۱۹۶۸م، ص ۴۰ الی ۴۷) در این زمینه و مستفاد از آیات ۸ و ۹ سوره مبارکه ممتحنه^۱ چنین برمی‌آید که مسلمانان می‌توانند تا در برابر هر گروه، جمعیت و کشوری که در عین کافر بودن نسبت به اسلام و مسلمانان موضعی خصمانه اتخاذ نمودند، رابطه دوستی با آن‌ها برقرار نمایند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴ش، ص ۳۳)

پیامبر (ص) پس از هجرت به مدینه نیز با انعقاد پیمان‌نامه‌های عمومی مدینه برابری میان حقوق مسلمانان و یهودیان را مورد شناسایی قرار دادند و به آنان اجازه دادند تا بر اعتقادات خود باقی بمانند، علی‌رغم همه حسادت‌ها و دشمنی‌های یهودیان با پیامبر (ص) با آن‌ها صبور بودند و آن‌ها را با مسلمانان برابر می‌دانستند و دینشان را محترم می‌شمرد. رسول اکرم (ص) با انعقاد این پیمان‌ها، قبائل مختلف مدینه را متحد و از عناصر مسلمان، یهود و عرب امت واحدی را تشکیل دادند. در این پیمان‌ها تصریح شده بود که متحدین امت مشخص و متمایزی را تشکیل می‌دهند و یهودی‌ها بر کیش خود و مسلمانان بر آیین خویش باقی خواهند ماند و در هر امری که اختلاف نمایند باید به خدا و پیغمبرشان (بر مبنای قانون اسلام) مراجعه نمایند. بدین صورت، افراد غیر مسلمان در قلمروی حکومت اسلامی، هیچ‌گاه بیگانه و خارجی قلمداد نمی‌شدند و عنوان بیگانه در فقه و حقوق اسلامی جای خود را به عنوان متحد و هم‌پیمان می‌دهد و از آن‌جا که قرارداد ذمه به طور دوجانبه و اختیاری منعقد می‌گردد روح وحدت و هماهنگی و پیوند معنوی که از اراده و اختیار نشأت می‌گیرد بر روابط مسلمانان با متحدان

۱. وفق آیه ۸ و ۹ سوره ممتحنه (به ترتیب): «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» و «إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ».

ایشان سایه‌ای از عدل، انصاف و همکاری می‌گستراند. (عمید زنجانی، ۱۳۶۲ش، ص ۲۵ و ۲۶)

جرایم مستوجب مجازات حدی

حدود یکی از انواع مجازات‌های اسلامی به حساب می‌آیند که در قانون مجازات اسلامی نیز به عنوان یکی از کیفرها مورد لحاظ قرار گرفته است. پرسش اصلی در این قسمت آن‌جا مطرح می‌شود که اگر غیر مسلمانی مرتکب جرمی شود که مجازات آن حدی است، آیا همان مجازات حدی را متحمل می‌شود و یا این‌که مجازات دیگری متوجه او می‌گردد.

- زنا: یکی از جرایمی که کیفر حدی دارد، زنا است. زنا عبارت است از داخل کردن بالغ عاقل در فرج زنی که بر او حرام است بدون تحقق عقد نکاح میان آن دو و بدون ملکیت و شبهه، در حالی که زنا کننده عالم و مختار باشد. (لمعه، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۲۸۲)
در این زمینه ماده ۲۲۱ قانون مجازات اسلامی مرقوم داشته است:
«زنا عبارت است از جماع مرد و زنی که علقه‌ی زوجیت بین آن‌ها نبوده و از موارد وطی به شبهه نیز نباشد.

تبصره ۱- جماع با دخول اندام تناسلی مرد به اندازه ختنه‌گاه در قُبُل یا دُبُر زن محقق می‌شود».

طبق قانون مجازات اسلامی، زنا در شرایطی دارای مجازات حدی اعدام و در برخی مواقع نیز دارای کیفر حدی ۱۰۰ تازیانه و یا رجم (سنگسار) خواهد بود. یکی از مواردی که باعث می‌شود، مرتکب زنا حتماً اعدام شود در جایی است که زانی، غیر مسلمان و زانیه مسلمان باشد.

در این ارتباط، ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی مرقوم داشته است:

«حد زنا در موارد زیر اعدام است:

الف- زنا با محارم نسبی؛

ب- زنا با زن پدر که موجب اعدام زانی است؛

پ- زناى مرد غير مسلمان با زن مسلمان که موجب اعدام زانى است؛
 ت- زناى به عنف يا اکراه از سوى زانى که موجب اعدام زانى است».
 در بند «پ» ماده قانونى مورد بحث، قانونگذار به طور مطلق زناى مرد غير مسلمان با زن مسلمان را موجب اعدام زانى انگاشته است.

زمانى که کافر ذمى با زن مسلماني زنا مى‌کند، کشتن به وسيله شمشير ثابت مى‌گردد. در اين حکم فرقى نيست بين اين که زن به اين عمل راضى بوده يا از روى اکراه تحقق گرفته باشد، ذمى وى را عقد نموده و پس از عقد با وى نزديکى کرده يا بدون عقد اين عمل را انجام داده باشد. البته مى‌توان چنين گفت، چنانچه ذمى بر اين اعتقاد باشد که زن مسلمان را وقتى عقد نمود بر وى حلال است و به دليل جاهل بودن به احکام اسلامى از حرمت آن آگاه نباشد، محتمل است عذرش مسموع و پذيرفته مى‌گردد و در نتيجه، حد از وى برداشته مى‌گردد؛ زيرا حد به واسطه‌ى کوچکترين شبهه‌اى ساقط مى‌شود.^۱ البته گفته شده است که حتى قول قوی تری وجود دارد دائر بر این که اول تازیانه به زناکار نواخته می‌شود و سپس او را می‌کشند. (لمعه، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۲۹۸)

به ديگر سخن، از جمله موارد قتل آن است که کافر ذمى با زن مسلمان مرتکب زنا شود، در اين خصوص فرقى نمى‌کند که با رضایت آن زن يا با اکراه صورت گرفته باشد همچنين اعم از اين که کافر مزبور به شرايط قرارداد ذمه عمل مى‌نموده يا نمى‌نموده است، در هر صورت حکم اجماعى دائر بر قتل غير مسلمان به خاطر زناى با زن مسلمان موجود است. (جواهرالکلام: حدود و تعزيرات ۱۳۹۰ش، ص ۲۰۲)

در ارتباط با اين که مسلمان و غير مسلمان با اکراه به زنا بپردازند، حکم يکسان يعنى قتل وجود دارد. با اين حال، در موردی که غير مسلمان ولو با رضایت زانیه مسلمان اقدام به اين عمل نمايد، برخلاف مسلمان به قتل محکوم مى‌شود. در اين خصوص به نظر مى‌رسد، از آنجا که غير مسلمانان به عنوان اقليتی در جامعه اسلامى زندگى مى‌کنند حکم تنبيهی شديدتری

۱. «ادرؤوا الحدود بالشبهات».

برای بازدارندگی نسبت به انجام چنین اعمالی برای ایشان در نظر گرفته شده است. به هر شکل، زنا در اسلام به عنوان رفتاری مستوجب مجازات شدید مدنظر قرار گرفته است و این موضوع برای پیشگیری غیر مسلمانان از تحقق چنین اعمالی حتی با شدت بیشتری نیز لحاظ شده است.

یکی دیگر از کیفرهای حدی زنا، رجم یا سنگسار است؛ در این زمینه، ماده‌ی ۲۲۵ قانون مجازات اسلامی اشعار داشته است:

«حد زنا برای زانی محصن و زانیه محصنه رجم است. در صورت عدم امکان اجرای رجم با پیشنهاد دادگاه صادرکننده حکم قطعی و موافقت رییس قوه قضاییه چنانچه جرم با بینه ثابت شده باشد، موجب اعدام زانی محصن و زانیه محصنه است و در غیر این صورت موجب صد ضربه شلاق برای هر یک می باشد».

منظور از شرایط احصان که در ماده یادشده تصریح شده، در ماده ۲۲۶ قانون مجازات اسلامی منعکس شده است. طبق ماده مرقوم:

«احصان در هریک از مرد و زن به نحو زیر محقق می شود:

الف احصان مرد عبارت است از آنکه دارای همسر دائمی و بالغ باشد و در حالی که بالغ و عاقل بوده از طریق قُبُل با وی در حال بلوغ جماع کرده باشد و هر وقت بخواهد امکان جماع از طریق قُبُل را با وی داشته باشد.

ب - احصان زن عبارت است از آنکه دارای همسر دائمی و بالغ باشد و در حالی که بالغ و عاقل بوده، با او از طریق قُبُل جماع کرده باشد و امکان جماع از طریق قُبُل را با شوهر داشته باشد».

مطابق با آنچه قبلاً ذکر شد، مطلقاً زناى مرد غیر مسلمان با زن مسلمان موجب اعدام است؛ در این ارتباط فرقی میان محصن بودن یا غیر محصن بودن آن نیست. بنابراین در مواردی که مرد غیر مسلمان با زن غیر مسلمان زنا کند و اگر هریک یا هر دو محصن باشند، حد رجم طبق شرایط مصرح بر ایشان بار می‌گردد. در غیر این صورت، یعنی در جایی که شرایط احصان

وجود نداشته باشد، مطابق با ماده ۲۳۰ قانون مجازات اسلامی به حد ۱۰۰ ضربه تازیانه محکوم می‌گردند.

در خصوص زنای کافر ذمی با زن ذمیه یا کافره گفته شده است، حاکم در مورد ذمی مرتکب زنا مختار است میان این‌که خودش حد بر او جاری سازد یا او را تسلیم اهل ملت و مذهبش نموده تا آنان طبق اعتقادات خود او را مجازات کنند ولی احتیاط در آن است که حاکم خودش حد را بر او جاری سازد البته این اختیار در جایی است که ذمی با زن ذمیه یا کافره زنا کند و اما اگر با زن مسلمان زنا کند بدون اشکال، خود حاکم اسلامی او را مجازات می‌نماید. (موسوی خمینی، ۱۳۷۰، ج ۴، ص ۳۳۵)

در شرایع‌الاسلام نیز آمده است که اگر مرد ذمی با زن ذمیه زنا کند، امام مخیر است تا او را به اهل مذهب خودش بسپارد تا مطابق با آیین خودشان حد را بر او جاری کنند و یا این‌که حد را طبق مقتضای شریعت اسلام بر او جاری سازد.

- لواط: در زمره اعمالی که برای آن مجازات حدی پیش‌بینی شده، لواط است. در این خصوص، ماده ۲۳۳ قانون مجازات اسلامی چنین مشعر است:

قانونگذار در ماده ۲۴۰ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد که در حد مساحقه، تفاوتی میان فاعل و مفعول، مسلمان و غیرمسلمان، محسن و غیرمحسن و عنف و غیرعنف وجود ندارد. همانطور که در بالا ملاحظه می‌شود از منظر قانونگذار ایران، هرگاه مسلمان و غیر مسلمانی اقدام به ارتکاب جرم مساحقه نماید متحمل مجازات حدی به میزان ۱۰۰ ضربه شلاق خواهد شد و از این حیث، عامل اسلام تأثیری در مجازات پدید نمی‌آورد.

نتیجه گیری

با توجه به مطالعات و بررسی‌هایی که در این پایان‌نامه صورت پذیرفت استنباط می‌گردد که اسلام نسبت به مقوله‌ی حقوق اقلیت غیر مسلمان بی‌اعتناء نبوده است و احکام مفصلی را در این زمینه عرضه داشت است؛ به طور کلی، غیر مسلمانان یا در پناه اسلام قرار داشته و یا با پیروان آن در حال ستیز هستند. آن دسته از غیر مسلمانانی که ذمی، معاهد و مستأمن قلمداد می‌گردند، مورد حمایت دین اسلام قرار گرفته‌اند؛ عرض، ناموس و مال [حتی اموالی چون آلات لهو و شراب که به عنوان مال نزد مسلمانان مورد احتساب قرار نمی‌گیرد]، جملگی ایشان مورد احترام و هرگونه تعرضی نسبت به آن‌ها مورد مؤاخذه و پیگرد قرار می‌گیرد. در خصوص کفار حربی وضع به شکل دیگری است؛ چرا که اینان با مسلمانان وضع ستیزه‌جویانه و نه مسالمت‌آمیز را در اولویت قرار داده‌اند. به همین روی، ایشان حرمتی برای خود نزد مسلمانان قائل نشده‌اند.

در قانون اساسی ایران افراد کلیمی، مسیحی و زرتشتی به عنوان اقلیت‌های دینی مورد تصریح قرار گرفته‌اند که در کنار مسلمانان که به دین رسمی مملکت یعنی اسلام ملتزم هستند زندگی می‌کنند؛ قانون مذکور حقوق اولیه و اساسی را در حوزه‌های مختلف اقتصادی (از قبیل حق داشتن شغل و فعالیت اقتصادی، مالکیت)، فرهنگی (از جمله حق اجرای شعائر مذهبی) و غیره نسبت به ایشان به رسمیت شناخته است. مصداق‌هایی از حقوق پیش‌بینی شده در قانون اساسی، در سایر مقررات ملی از جمله قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی مورد تبیین قرار گرفته است.

در قانون مدنی احترام به حقوق غیر مسلمانان مورد تأکید قرار گرفته است. با این حال، در مبحث ارث تفاوت‌هایی میان مسلمانان و غیر مسلمانان به چشم می‌خورد؛ بدین ترتیب، غیر مسلمان این امکان را پیدا نمی‌کند تا از مسلمان ارث ببرد. در صورتی که عکس این قضیه صادق است. مسأله‌ی عدم ارث‌بری غیر مسلمان از مسلمان خاستگاه فقهی دارد که به نظر می‌رسد، مبنای آن نیز مطابق با گفته‌ی شیخ صدوق، نوعی عقوبت ایشان به خاطر مسلمان‌نودنشان باشد.

قانون مجازات اسلامی به خاطر دربرداشتن مجازات‌های اسلامی چون حدود، قصاص، دیات و تعزیرات مشتمل بر مقررات مهمی در ارتباط با افراد جامعه از جمله اقلیت غیر مسلمان است. وضع غیر مسلمانان در مورد پاره‌ای از کیفرهای حدی از مسلمانان متمایز است. در خصوص زنا، غیر مسلمان با زن مسلمان، لواط و تفخیز غیر مسلمان، قذف غیر مسلمان، شرب مسکر غیر مسلمان تفاوت‌هایی دیده می‌شود که در مورد زنا و لواط به شرح مزبور، رویکرد تشدید و در قبال شرب مسکر رویکرد تخفیف مجازات مدنظر قرار گرفته است.

در خصوص پاره‌ای از تفاوت‌هایی که نسبت به مسلمانان و غیر مسلمانان در مورد تعدادی از جرایم به شرح یادشده وجود دارد باید متذکر گردید، غیر مسلمانان به عنوان یک اقلیت در جامعه اسلامی سکونت می‌نمایند و مطابق با عقد ذمه علاوه بر آن‌که از حقوقی برخوردارند یکسری تعهداتی را نیز به عهده می‌گیرند از جمله آن‌که نسبت به محرمات اسلام احترام گذارند و بنابراین به طور نمونه، از شرب مسکر آن‌هم به طور علنی در جامعه خودداری نمایند. بازدارندگی از طریق پیش‌بینی حد کیفر اعدام در مورد اعمال غیر مسلمانان در زنا، لواط و تفخیز که بنیان خانواده را در جامعه اسلامی به حاشیه می‌راند نیز راهکاری است به نوعی باعث می‌شود تا پیشگیری عام از رفتارهای مزبور در نزد اقلیت غیر مسلمان شکل بگیرد. بنابراین در این‌جا تمایز به نفع جامعه اسلامی از طریق توسل به ساز و کار پیشگیری از جرم مدنظر قرار گرفته است.

در قذف وضع به شکل دیگری است؛ چرا که در قذف نسبت به غیر مسلمان، امکان اجرای حد بر قاذف مهیا نیست و تعزیر قاذف نیز باید کمتر از حد باشد. البته تفاوتی از بابت مسلمان بودن یا نبودن کافر نیست منتها به نظر می‌رسد از آن‌جا که اعمال زنا و لواط در نزد اسلام به مراتب شنیع قلمداد می‌گردد بنابراین نسبت‌دادن این اعمال به مسلمانان (در جایی که تظاهری نباشد) موجب هتک حرمت بیشتر قربانی و جامعه اسلام می‌شود. به نظر می‌رسد که به همین خاطر، قذف مسلمان از مجازات حدی برخوردار است.

در خصوص کیفر قصاص نیز حائز اهمیت است؛ مقنن در ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی، حکم مناسبی را ترسیم نموده و آن نیز تسری عنوان مستأمن به تمام افراد غیر

مسلمانی که دارای تابعیت ایران بوده و یا آن دسته که دارای تابعیت خارجی بوده و به طور قانونی وارد ایران شده‌اند، می‌باشد. از این حیث، جنایت عمدی بر افراد ذمی، مستأمن و معاهد توسط بقیه غیر مسلمانان موجب قصاص تلقی شده است. در این خصوص، میان مسلمانان و افراد ذمی، مستأمن و معاهد تفاوتی لحاظ نشده است.

در ارتباط با دیات، خوشبختانه قانون مجازات اسلامی با تکیه بر آرای فقهی تنی از صاحب‌نظران چون آقای خامنه‌ای به تساوی دیه مسلمانان و غیر مسلمانان رأی داده است. بدین ترتیب، دیه مسلمان و اقلیت غیرمسلمان شناخته شده در قانون اساسی یکی بوده و در مقام تغلیظ نیز مسلمان و غیر مسلمان یکسان انگاشته شده‌اند. این تساوی در جرایم تعزیری هم به چشم می‌خورد. به واقع، در جرایم تعزیری به جز بزه ربا، تفاوتی میان مسلمانان و غیر مسلمانان مدنظر قرار نگرفته است.

با این همه باید متذکر شد، اگرچه وضع اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی، به موجب مقررات ملی آن هم از منظر تعبیه یکسری حقوق اساسی و اولیه برای ایشان مناسب ارزیابی می‌گردد اما در خصوص بقیه‌ی غیر مسلمانان چنین رفتاری که دائر بر شناسایی حقوق ایشان باشد، ملحوظ‌نظر واقع شده است.

کتابنامه

کتاب‌ها

- ۱) قرآن کریم. (۱۳۸۹). ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم.
- ۲) نهج البلاغه. (بی تا). ترجمه محمد جواد شریعت. تهران: انتشارات اساطیر، چاپ اول.
- ۳) الماسی، نجاد علی. (۱۳۶۸). تعارض قوانین. تهران: نشر مرکز دانشگاهی، چاپ اول.
- ۴) احمدی، موسی. (۱۳۸۳). حقوق اهل کتاب: (چگونگی روابط مسلمانان با آنان در قرآن). قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول.
- ۵) آقا جمال خوانساری، محمدبن حسین. (۱۳۶۶). شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غررالحکم و دررالکلم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، تهران، جلد سوم، چاپ چهارم.

ب) مقاله‌ها

- ۶) حاجتی شورکی، سیدمحمد. و محمدجعفری. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی امکان، ضرورت و کیفیت معاد در دین زرتشت و اسلام، نشریه معرفت ادیان، شماره ۲۴.
- ۷) _____، _____ . سیداکبر حسینی قلعه بهمن. (۱۳۹۵). بررسی حقیقت مرگ در دین زرتشت، نشریه معرفت ادیان، شماره ۲۷.
- ۸) خاکپور، حسین. و الهام السادات حسینی. (۱۳۹۲). بررسی حقوق اقلیت‌های دینی و جزیه در قرآن. پژوهشنامه معارف قرآنی، شماره ۱۵.